

مهدی صحراگرد*

سبک‌شناسی منطقه‌ای کوفی شرقی: صفات قلم کوفی در قرآن تازه‌یابِ ری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۵

چکیده

از تاریخ نسخه‌پردازی منطقه‌ای سده‌های نخست هجری در ایران آگاهی‌های ناچیزی در دست است. زیرا اندک نسخه‌های به‌جامانده از این سده‌ها به‌سبب نداشتن برگه‌انجامه یا اطلاعاتی که زمان و مکان دقیق تولید نسخه را در بر داشته باشد، ملاکی معتبر برای شناخت شیوه‌های منطقه‌ای قرآن‌نگاری نبوده است. از همین رو، نمونه‌هایی که آگاهی دقیقی از زمان و مکان تولید نسخه به دست دهد به‌منزله محور مطالعات اهمیت می‌یابند، مانند قرآن ابن بواب، مورخ ۳۹۱ق. اخیراً در میان اوراق باز یافته کتابخانه آستان قدس رضوی بخشی از یک قرآن کشف شد، که آگاهی‌های بسیار دقیق و ارزنده‌ای از محل و زمان تولید، حامی و نام‌کاتب و مذهب در بردارد. این نسخه را عباس بن محمد بن عباس مصاحفی قزوینی در سال ۳۹۱ق در ری برای «خزانة الکتب» سیده‌خاتون، همسر فخرالدوله دیلمی، تهیه کرده است. ارزیابی دقیق‌تر انجامه و ویژگی‌های نسخه از ارتباط سبکی با قرآن‌های اصفهانی، مانند کشواد بن املاص (مورخ ۳۲۷ق، اصفهان)، حکایت می‌کند. همچنین در تذهیب نسخه نشانه‌هایی مشترک با آرایه‌های بناهای عصر ساسانی ری هست که حاکی از وجود سبک محلی تذهیب است. در نهایت، مصاحفی قزوینی را باید جزو آخرین وراقانی به‌شمار آورد که تمام مراحل کاتب و تذهیب را به‌تتبعی بر عهده داشته است.

کلیدواژه‌ها: نسخه‌شناسی، قرآن ابن بواب، کتابخانه آستان قدس رضوی، قلم کوفی

* استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، مشهد، ایران.

sahragard_mn@yahoo.com

مقدمه

از آغاز سده چهارم هجری، همزمان با افول قدرت خلیفه در بغداد، دوره‌ای در تاریخ ایران آغاز شد که برخی از مورخان آن را «میان‌پرده ایرانی» نام نهادند؛ زیرا از این زمان تا ظهور غزنویان و سلجوقیان ترک، دو سلسله ایرانی بر شرق جهان اسلام فرمان راندند. برآمدن سامانیان (۲۶۱-۳۹۵ق) و سامان یافتن سیاسی و اجتماعی شرق ایران از یک سو و ظهور آل بویه در غرب ایران شکوفایی‌ای ویژه در همه ابعاد حیات ایرانیان پدید آورد. ظهور آل بویه از آن رو اهمیتی وافر در تاریخ سلسله‌های اسلامی دارد که بویان، با تصرف بغداد و تسلط بر دستگاه خلیفه، عملاً فرمانروای حکومت اسلامی شدند و بدین ترتیب فرهنگ و اندیشه ایرانی در جهان اسلام بیش از پیش نفوذ کرد. روحیه شاهان آل بویه در حمایت از علم و فضل و فرهنگ موجب شکل‌گیری مجدد مجالس بحث علما و ادبا شد. نیز در سایه تساهل مذهبی بویان بود که عقل‌گرایی در مجالس و محافل علمی، که پیش‌تر با سرکوب متوکل عباسی (خلافت ۲۳۲-۲۴۷ق) از میان رفته بود، مجدداً احیا و شکوفان شد.

در نتیجه چنین شرایطی، کتاب و کتابخانه در این عصر رونقی بی‌سابقه یافت. کتابخانه‌های متعدد شاهان و وزرای آل بویه، چه آنها که مستقیماً تحت حمایت دربار بود و چه آنها که در دارالعلم‌ها و کتابخانه‌های شخصی وزرا پدید آمد، شهرتی بسزا یافته است. یکی از نخستین کتابخانه‌های مشهور آل بویه کتابخانه ابوالفضل بن عمید وزیر دانشمند رکن‌الدوله است. او که در انشاء و ترسل دستی توانا داشت ۲۴ سال وزیر رکن‌الدوله بود. گویند کتابخانه‌اش برابر با صدبار شتر بود و از اهمیتش همین بس که ریاستش برعهده ابن مسکویه (ف ۴۲۱ق)، مورخ و اندیشمند مشهور، بود. (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۳۳)

عضدالدوله (حک ۳۳۸-۳۷۲ق)، قدرتمندترین امیر آل بویه، که علاقه‌ای وافر به کتاب داشت، فرموده بود در شیراز کتابخانه‌ای عظیم سازند؛ کتابخانه‌ای

با اتاق‌های بسیار، که او هر روز در یکی از آن اتاق‌ها مجلسی می‌آراست. این کتابخانه در نظم و مدیریت نظیر نداشت و گفته‌اند از هر کتابی که تا آن زمان تألیف شده بود نسخه‌ای در این کتابخانه بوده است. (بهاء‌الدین بن اسفندیار، ۱۳۶۱: ۱۴۰؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۶۸-۹)

از کتابخانه‌های مشهور دیگر کتابخانه صاحب بن عباد (۳۲۶-۳۸۵ق)، وزیر باکیاست مؤیدالدوله و فخرالدوله، بود؛ کتابخانه‌ای پررونق در باغ صاحب‌ری که مجلس علمای بزرگ در آن برگزار می‌شد. کتابخانه صاحب، بنا به یادداشتی از خودش، حدود ۱۱۷ هزار جلد کتاب داشت (به نقل از ابن خلکان، بی‌تا، ۱۴۵) و فهرست کتاب‌هایش ده مجلد بود (یاقوت حموی، ۱۳۹۹ق: ۲). این کتابخانه همانی است که در جریان حمله سلطان محمود غزنوی (حک ۳۸۷-۴۲۱ق) به ری کتاب‌هایش را تلی ساختند و آتش کشیدند، تلی چنان بزرگ که مدت‌ها بعد به تل کتاب معروف بود. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲۷۸)

جز اینها، چندین کتابخانه مهم دیگر در این عصر برپا شد، از جمله: کتابخانه بهاء‌الدوله (حک ۳۷۹-۴۰۳ق)، پسر عضدالدوله، در شیراز که خازن و کتابدارش علی بن هلال مشهور به ابن بواب (ف ۴۲۳ق)، خوشنویس صاحب‌نام اقلام شش‌گانه، بود؛ همچنین، کتابخانه هلال صابی، دبیر عضدالدوله در بغداد، و کتابخانه حبشی بن معزالدوله، شاهزاده مطرود بویه‌یان، در بصره، که به گفته مسکویه پانزده هزار جلد کتاب داشته است. (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۳۰۱)

برخی از کتابخانه‌های مهم دیگر این دوره بخشی از یک مجموعه بزرگ‌تر بودند که به دارالعلم شهرت داشتند. دارالعلم مجموعه‌ای فرهنگی بود متشکل از کتابخانه‌ای عمومی، چند تالار و اتاق‌هایی برای اهداف مختلف از جمله برگزاری مجالس بحث (متر، ۱۳۶۲: ۲۰۵-۷). دارالعلم، علاوه بر کتابخانه، مکانی برای تبلیغ و ترویج علوم مختلف بود. برای نمونه، شاپور بن اردشیر (ف ۴۱۶ق)، وزیر بهاء‌الدوله، در محله بین السورین کرخ در بغداد دارالعلمی برپا کرد که گفته‌اند

شمار کتاب‌هایش بیش از ده‌هزار و چهارصد جلد بود. بیش از صد نسخه این کتابخانه قرآن‌های نفیس به خط خوشنویسانی مشهور چون ابن مقله بوده است. (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق: ۱۷۲؛ ابن اثیر، ۱۳۹۸: ۸۸)

به‌رغم شهرت و اعتبار این کتابخانه‌ها و اطلاعات ارزنده‌ای که در این باب در منابع درجه‌اول ذکر شده، آگاهی ما از هنرهای مربوط به کتاب این دوره بسیار محدود است. منابع درجه‌اول هیچ‌سرنخی از ویژگی‌های کتاب‌پردازی به دست نمی‌دهند، مگر اطلاعاتی بسیار کلی.^۱ تحقیقات انجام‌شده بر آثار به‌جامانده نیز عمدتاً متمرکز است بر قرآن ابن بواب مورخ ۳۹۱ق (لیدن، کتابخانه چسترییتی، ش ۱۴۳۱) که جزو معدود نسخه‌های تاریخ‌دار شناخته‌شده سده چهارم است. این نسخه ارزنده، که کهن‌ترین قرآن تاریخ‌دار به خط ریحان مایل به نسخ به شمار می‌رود، اثری است که مشخصاً تحت حمایت امیران آل بویه در بغداد تولید شد. سلامت نسخه موجب شده محققان بتوانند جزئیاتی مهم از چند و چون خط و تذهیب این دوره را بازشناسند. با این همه، این تک‌اثر گویای تمام ابعاد و شیوه‌های کتابت و کتاب‌پردازی قلمرو آل بویه نیست.

در میان اوراق بازیافته^۲ کتابخانه آستان قدس رضوی، اخیراً بخشی از یک قرآن کوفی به دست آمد که انجامه‌ای کامل دارد. این انجامه گواهی می‌دهد که قرآن را عباس بن محمد بن عباس مصاحفی قزوینی به سال ۳۸۹ق برای خزانه‌الکتب ام‌الامرا، همسر فخرالدوله دیلمی (حک ۳۷۳-۳۸۷ق)، کتابت کرده است. این نسخه در ری کتابت و تذهیب شده است و به سبب اطلاعات ارزشمندش از زمان و مکان تولید اثر و نام حامی و کاتبش اثری بسیار مهم در بازشناسی سنن کتابت و کتاب‌آرایی در سده چهارم هجری به شمار می‌رود. در این مقاله، ضمن مرور ویژگی‌های نسخه‌شناسانه این اثر می‌کوشیم ابعاد هنری و تاریخی این نسخه را به‌منظور بازشناسی نکات مجهول و مغفول‌مانده این بخش از تاریخ هنر ایران تحلیل و ارزیابی کنیم.

پیشینه تحقیق

اگرچه تاکنون در باب تاریخ هنر آل بویه تحقیقاتی قابل توجه صورت بسته است، به علت در دست نبودن آثار رقم دار و قطعی، از خصایص هنری این دوره، خاصه کتابت و کتاب آرایی، نمی توان با قاطعیت سخن گفت. جان اتان بلوم (Bloom, 2004) و شیلابلر (Blair, 1992) هر یک در مقاله هایی جداگانه نشان می دهند بسیاری از آثار منسوب به دوره آل بویه اساساً جعلی یا مربوط به سلسله های دیگر بوده است. به همین سبب، تنها تحقیقاتی که کم و بیش از ویژگی های کتاب پردازی دوره آل بویه سخن رانده اند همان هایی است که به بحث و ارزیابی قرآن ابن بواب، مورخ ۳۹۱ق، اختصاص دارد. البته، به سبب تولید این نسخه در بغداد، برخی پژوهشگران این اثر را نه اثری از آل بویه بلکه به منزله اثری تحت حمایت خلیفه عباسی ارزیابی کرده اند، مانند هلال ناجی در ابن البواب عبقری الخط العربی عبر العصور (۱۴۱۵ق)، غافل از اینکه حامی این خوشنویس فخرالملک، وزیر بهاء الدوله، بوده است. شمار تحقیقاتی که از قرآن ابن بواب سخن رانده اند بسیار است، زیرا این نسخه نقطه آغازی است بر استفاده از اقلام مستدیر در کتابت قرآن. کهن ترین تحقیق منسجم در این باره قرآن منحصر به فرد ابن بواب^۱ (۱۹۵۵) نوشته دی اس رایس^۲ است. نویسنده در این کتاب ضمن شرح احوال ابن بواب از جایگاه او در دربار بهاء الدوله و وزیرش، فخرالملک، سخن رانده است (D.S. Rice, 1955: 5). او در ادامه اطلاعاتی دقیق از ویژگی های نسخه به دست می دهد. این نوشته منبع دیگر محققان درباره این قرآن بوده است.

عموم محققان ایرانی در ذیل تاریخ اقلام ششگانه از ابن بواب و قرآنش سخن گفته اند، از جمله حبیب الله فضائلی در اطلس خط (۳۰۴: ۱۳۶۲) و محمد آصف فکرت در مدخل «ابن بواب» در دایرة المعارف بزرگ اسلامی (فکرت، ۱۳۸۳). اخیراً علیرضا هاشمی نژاد نیز این قرآن را به منزله اثری تکامل یافته از اقلام مستدیر به عنوان مقطعی از تاریخ اقلام مستدیر خط شناسی کرده است. (هاشمی نژاد: ۴۲ - ۴۳)

دیوید جیمز، در تبیین صفات قرآن نگاری مملوکان، قرآن ابن بواب را مبنای تحلیل قرآن های مملوک قرار داده است (James: 16-17). شیلابلر نیز در شرح اقلام مستدیر از ابن بواب و قرآن کتابخانه چسترییتی به منزله نسخه ای از سده چهارم سخن رانده است (بلر، ۱۳۹۷: ۱۹۶ - ۲۰۵)؛ البته با رویکردی خط شناسانه بدون توجه به جایگاه حامیانش.

از قرآن مورد بحث این تحقیق، صرفاً رمضان علی شاکری در کتاب گنج هزارساله تصویری بدون ذکر نام کاتب و جایگاه آن منتشر کرده است، تصویری از انجامة نسخه که سرنخی مهم برای جستجوهای نگارنده بود.^۴ از آن زمان، کسی از وضعیت این نسخه اطلاعی نداشت، زیرا این نسخه، در میان اوراق بازیافته، بدون شماره، رها شده و در شمار نسخه های فهرست شده کتابخانه آستان قدس نیامده بود.

گفتنی است نگارنده در کتاب سطر مستور: تاریخ و سبک شناسی کوفی شرقی در معرفی یکی دیگر از قرآن های کاتب این نسخه، عباس بن محمد قزوینی، محل فعالیت این کاتب را مرکز ایران، حدس زده بود، زیرا چنان که خواهیم دید خط قرآن دیگر این خطاط به خط قرآن کشواد بن املاس، کتابت شده در اصفهان، شباهتی بسیار دارد (صحراگرد، ۱۳۹۹ الف: ۱۳۴-۱۳۸). اما بی اطلاعی از وجود این نسخه موجب شد تحلیل تاریخی جایگاه کاتب و سبک کتابت یادشده به تک نسخه مذکور محدود ماند.

بحث و بررسی

الف. ویژگی های کلی نسخه

- شماره ثبت: ۴۷ (موقت)
- متن: نیمه آیه ۱۴ صف (۶۱) [أَنْصَارُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ] تا آیه ۶ ناس (پایان قرآن)
- تاریخ و محل تولید: ۳۹۱ق (ری)
- کاتب: عباس بن محمد بن عباس مصاحفی قزوینی

۳۵ - برگ: اندازه: ۲۱×۵/۳۱ س.م؛ اندازه
 مسطر: ۵/۱۳×۲۲/۵ س.م؛ ۱۶ سطر سیاه
 (متن) و زر (سرسوره و ضمایم)

قرآن مورد بحث، که به اختصار قرآن ری خوانده می‌شود، یک جزوه ناقص از یک قرآن جامع یا چندپاره است که برگ‌های آغاز آن افتاده و اکنون در میان اوراق بازیافته با شماره ۴۷ ثبت شده است. این نسخه پس از مرمت با شماره ثبت جدید در فهرست قرآن‌های آستان قدس قرار خواهد گرفت؛ از این رو، فعلاً شماره دائم آن مشخص نیست.

قرآن ری بر روی کاغذ کتابت شده و در حال حاضر صرفاً ۳۵ برگ پایانی‌اش به‌جا مانده که مربوط به سوره‌های پایانی قرآن است. متن از نیمه آیه ۱۴ سوره صف (۶۱) آغاز می‌شود که سه سطر پایانی سوره را در بر می‌گیرد (ت ۱). بقیه متن تا پایان قرآن کامل است.

ساختار صفحات عمودی است. هر صفحه شانزده سطر دارد، بدون جدول کشی. نشان فصل آیات گل‌های زرین دوازده‌برگ و نشان خمس با شکلی پایزه‌مانند در میان سطور درج شده است. نشان عشر و نشان سرسوره نیز از عناصر حاشیه صفحات است.

اندازه نسخه ۲۱×۵/۳۱ س.م است. دیگر قرآن‌های تاریخ‌دار کاغذی سده چهارم مانند قرآن چهارده‌پاره کشواد بن املاس، مورخ ۳۲۷ق (مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۳۰۱۳، ۳۰۱۴، ۳۰۱۵)، با اندازه ۹×۱۱ سانتی‌متر، و قرآن وقفی ابن کثیر بر حرم امام رضا (ع)، مورخ ۳۹۳ق (ش ۹۶)، با اندازه ۷×۱۰ س.م بسیار بزرگ‌تر است. بنابراین، اندازه این قرآن در ردیف قرآن‌های بزرگ‌اندازه کوفی شرقی قرار می‌گیرد، مانند ابومحمد جعفر بن علی بن جعفر وراق، مورخ ۴۱۶ق (تهران: موزه ملی، ش ۳۶۱۰) با اندازه ۲۴×۲/۳۰ که احتمالاً قرآنی جامع بوده است (صحراگرد، ۱۳۹۹ الف: ۱۴۲-۱۴۴)؛ یا قرآن هفت‌پاره علی بن شاذان رازی (دوبلین: کتابخانه چسترییتی، ش Ms. ۱۴۳۴) با اندازه ۵/۱۸×۲۶ س.م، که هر دو به‌سبب سبک خطشان احتمال می‌رود در مرکز ایران، و



ت ۱. روی برگ اول به‌جامانده از قرآن ری. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ثبت موقت: ۴۷، برگ ار.

شاید ری، کتابت شده باشند.^۵ (همان: ۳۱۷)
 قرآن ری در هر سطر بین شش تا هشت کلمه (بدون احتساب حروف ربط) دارد. بر اساس تعداد واژه‌های هر سطر، تعداد سطور، و برگ‌های باقی‌مانده، می‌توان حدس زد این قرآن ۴۱۵ تا ۴۲۵ برگ داشته که با تعداد برگ‌های قرآن زنجانی با ۴۲۰ برگ برابر است.^۶ برگ‌های کنونی حدود یک‌دوازدهم کل قرآن را دربر می‌گیرد؛ اما، به‌سبب در دست نبودن بخش‌های دیگر، نمی‌توان فهمید این نسخه در چه قالبی بوده است؛ آیا آن را در قالب قرآنی جامع در یک جلد ساخته بودند یا مانند نسخه‌های نفیس سده چهارم و پنجم در قالب ربعه (چهار، هفت، ده، چهارده، و سی‌پاره)؟

تعداد سطور و واژگان هر سطر قرآن قزوینی متناسبی با قرآن‌های سی‌پاره ندارد، زیرا قرآن‌های سی‌پاره عموماً چهار یا پنج سطر در هر صفحه دارند و در هر سطر بین سه تا شش واژه. همچنین، اندازه اکثر این نسخه‌ها در قطع متوسط (حداکثر ۲۰×۲۵ س.م) است.^۷ احتمال تهیه نسخه در قالب نیم‌سبعی (چهارده‌پاره) نیز بسیار بعید است؛ زیرا اگر تعداد

ت ۲. انجامة قرآن
ری حاوی نام کاتب،
مذهب، محل کتابت،
حامی و تاریخ کتابت
و تذهیب. مشهد:
کتابخانه آستان قدس
رضوی، ش ثبت موقت
۴۷، برگ ۳۵ ر.



۴۱۵ تا ۴۲۵ برگ حدس زده شده برای این نسخه را بپذیریم، هر پاره حدود ۳۰ برگ داشته است، در حالی که نیم‌پاره کنونی ۳۵ برگ دارد و مشخص است شمار برگ‌های اولیه‌اش بیشتر از ۳۵ بوده است. با این حساب، احتمال ده یا حتی هفت‌پاره بودنش هم بسیار کم است، زیرا تعداد سطور قرآن‌های ده‌پاره و هفت‌پاره دیگر معمولاً کمتر از ده سطر در هر صفحه است، مانند قرآن ده‌پاره پوستی دیگر همین کاتب با هفت سطر در هر صفحه (مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۳۰۱۱ و ۳۰۱۲) و قرآن وقفی عایشه حولا بر حرم امام رضا (ع) در سال ۵۴۴ق، با پنج سطر در هر صفحه.

بنابراین، ساختار اولیه این نسخه، بر پایه ساختار مرسوم قرآن‌های ایرانی، از دو قالب بیرون نیست: قالب چهارپاره مانند قرآن احمد بن یاسین اصفهانی، مورخ ۳۸۸ق (استانبول: موزه هنر ترک و اسلامی، ش MSS ۴۵۳-۶) که در این صورت هر پاره‌اش حدود یکصد برگ داشته، یا قرآنی جامع با ۴۱۵-۴۲۰ برگ همچون قرآن ابو جعفر وراق (تهران: موزه ملی، ش ۳۶۱۰) و قرآن محمد زنجانی.

ت ۳. رقم کاتب در
آغاز قرآن ده‌پاره پوستی،
«بسم الله الرحمن
الرحیم / کتب هذا
الجزء / و اذبه العباس
بن محمد قزوینی».
مشهد: کتابخانه آستان
قدس رضوی، ش
۳۰۱۲، برگ ۲-۳ ر

ب. انجامة

انجامة نسخه بر روی برگ آخر به قلم کوفی شرقی به دو رنگ سیاه و زر در نه سطر کتابت شده است:

«فرغ من تذهیبه العباس بن محمد بن العباس
| ... | فی صفر من شهور سنه احدى تسعين
وثلاثائه | کتبه العباس بن محمد بن العباس
| المصاحفی القزوینی بالری | لخزانه السیده
ام امیر الامرا اطال | الله مدتھما فی سنه تسع
وثمانین وثلاثائه» (ت ۲).

البته کاتب، میان دو سطر نخست انجامة، عبارت ختم تلاوت قرآن را در سه سطر به قلم سیاه کتابت کرده است.

این انجامة یکی از کامل‌ترین انجامة‌های نسخ قرآن در سده‌های نخست است که در آن نام کاتب، مذهب، حامی، تاریخ و محل کتابت به دقت درج شده و کاملاً خواناست. پس هیچ تردیدی در اصالت اطلاعاتش در میان نیست و همین امر اعتبار آن را در میان آثار سده چهارم هجری به منزله اثری محوری در بازشناسی وجوه مختلف تاریخ کتابت و کتاب‌آرایی دوچندان می‌کند.

نام کاتب و مذهب «عباس بن محمد بن عباس مصاحفی قزوینی» است. رقم این کاتب در قرآن دیگرش، قرآن ده‌پاره پوستی، لقب «مصاحفی» ندارد (ت ۳). سمعانی در الانساب پنج کس ملقب به «مصاحفی» را نام برده که سه تن از آنان کاتب قرآن بوده‌اند. او در ذیل نام یکی از آنان، ابوداود سلیمان بن سلیم المصاحفی، مؤذن و امام مسجد، می‌نویسد: «به گمان، قرآن کتابت می‌کرد و بدان منسوب شد». (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۳۳۷). بر این اساس، گمان می‌رود این لقب به کسانی اطلاق می‌شد که صرفاً در کار کتابت قرآن بوده و خدمت دین می‌کردند. همچنین، از آنجا که مصاحفی قزوینی صرفاً در این نسخه لقبش را درج کرده، می‌توان حدس زد تاریخ کتابت قرآن پوستی آستان قدس مقدم بر این نسخه بوده و او در فاصله کتابت این دو نسخه به این لقب مفتخر شده است.

در انجامه آمده این قرآن در «ری» برای «خزانه الکتب ام‌الامیر الامرا» کتابت شده است. «ام‌الامرا» یا «ام‌الملوک» لقب سیده‌ملک خاتون شیرین دختر اسپهبد رستم طبری (ف ۴۱۹ق) یکی از نخستین فرمانروایان زن در تاریخ ایران بود. او از خاندان باوندیان طبرستان بود که به همسری فخرالدوله دیلمی درآمد. (التونجی: ۱۰۹)

ابوالحسن علی بن حسن دیلمی ملقب به فخرالدوله یکی از سه فرزند حسن رکن‌الدوله بود که پس از مرگ پدر همراه با برادرش مؤیدالدوله به حکومت منطقه جبال، به مرکزیت ری، رسید. او به سبب طغیان علیه برادر بزرگ‌تر، فنا خسرو عضدالدوله، و درگیری با مؤیدالدوله به خراسان گریخت و پس از درگذشت زود هنگام مؤیدالدوله به سال ۳۷۳ق با درایت صاحب بن عباد به حکومت جبال دست یافت. (ابن اثیر، ۱۳۹۸ - ۱۴۰۸: ۴۰۹)

سیده‌خاتون، پس از وفات صاحب بن عباد، وزیر باکفایت و مشهور به سال ۳۸۵ق، مشاور فخرالدوله در امور سیاسی شد. به گفته ابن اثیر، او علاوه بر امور سیاسی بر لشکر و دخل و خرج مالیات نیز مسلط بود (همان: ۱۳۲). در سال ۳۸۷ق که فخرالدوله درگذشت، سیده‌خاتون حکومت ری را به فرزندش ابوطالب رستم مجدالدوله (حک ۳۸۷-۴۱۹ق) سپرد. پسر دیگرش، ابوطاهر شاه‌خسرو، ملقب به شمس‌الدوله (حک ۳۸۷-۴۱۲ق)، نیز به حکومت همدان منسوب شد. به همین علت، از آن پس، سیده‌خاتون را «ام‌الملوک» خواندند. سیده‌خاتون در سال ۴۱۹ق درگذشت و پس از آن ری روی آرامش ندید و با بی‌تدبیری مجدالدوله

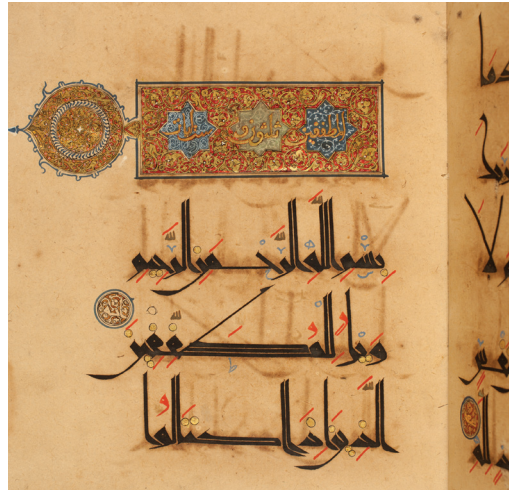
در ۴۲۰ق به دست سلطان محمود غزنوی به آتش کشیده شد (این مهلب، ۲۰۰۰م: ۴۰۴). بنابراین، این قرآن در زمانی تهیه شد که حکومت شاخه جبال آل بویه اسماً به نام مجدالدوله و در اصل در دست سیده‌خاتون بود. انتساب خزانه‌الکتب درباره نام سیده‌خاتون مؤید تسلط بی‌چون و چرای او بر تمام امور است.

لقب سیده‌خاتون در انجامه «ام‌الامیر الامرا» درج شده است. لقب «امیر» و «امیر اجل» برای شاهان آل بویه در آثار بازمانده به وفور به کار رفته است (Bloom, Blair and wardwell, 1992: 7). اما امیر الامرا لقبی است که در آغاز اسلام به بالاترین درجه نظامی داده می‌شد (بلاذری، ۱۸۶۵م: ۱۰۹ و ۱۱۵). اندکی بعد لقب کسی شد که رسماً اختیار تمام امور مالی، نظامی، و اداری را در دست داشت. ضعف سیاسی دستگاه خلیفه در آغاز سده چهارم هجری خلیفه را بر آن داشت امور را به چنین شخصی بسپارد. به همین سبب، این لقب برای نخستین بار از سال ۳۲۴ق برای ابن رائق به صورت رسمی به کار رفت (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۳۵۱). از میان شاهان آل بویه، عمادالدوله نخستین کسی بود که به این لقب مفتخر شد و سپس این مقام به معزالدوله و عضدالدوله رسید.^۸ با این حال، در منابع درباره امیر الامرای مجدالدوله سخنی نرفته است، زیرا او هیچ‌گاه چنان مستقل و قدرتمند ظاهر نشد که شایسته چنین لقبی باشد.

به‌رغم آگاهی‌های ارزنده‌ای که درباره برخی از کتابخانه‌های عصر آل بویه در دست داریم، در منابع سخنی از خزانه‌الکتب سیده‌خاتون در میان نیست.



ت ۴. برگی از قرآن عثمان بن حسین وراق، احتمالاً غزنه، ۴۶۲-۴۶۶ ق. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۳۰۷۷، تذهیب سرسوره‌های این نسخه در مقایسه با تذهیب سرسوره‌های قرآن ری بسیار پرکارتر است.



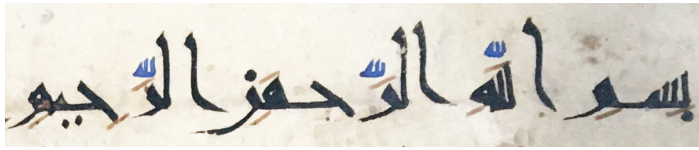
گمان نمی‌رود این خزانه‌الکتب از آن کتابخانه‌های در بسته‌ی درباری با خدمات صرف برای درباریان باشد، بلکه به‌نظر یکی از دارالعلم‌های ری بوده است. چنان‌که پیش‌تر گفتیم، دارالعلم مجموعه‌ای فرهنگی متشکل از کتابخانه و چند اتاق و تالار بحث بود و از آنجا که نمود کتابخانه‌اش بیشتر بود گاه آن را خزانه‌الکتب، یا دارالکتب، می‌خواندند، چنان‌که دارالعلم شاپور را «خزانه‌الکتب ساپور» و دارالعلم ابن‌سوار در بصره را «خزانه‌الکتب» و «دارالکتب» خوانده‌اند (محمدی و پرویش، ۱۳۹۰: ۱۳۹). از این رو، احتمالاً خزانه‌الکتب سیده‌خاتون هم همچون کتابخانه‌ی صاحب بن عباد، معروف به «دارالکتب ری» (ابن خلکان: ۱۴۵)، دو مرکز فرهنگی مهم ری در این سال‌ها بوده‌اند.

کتابت نسخه به‌سال ۳۸۹ق به اتمام رسیده است، یعنی دو سال پس از درگذشت فخرالدوله و مسلط شدن سیده‌خاتون بر امور حکومت ری. تذهیبش نیز در ۳۹۱ق به پایان رسیده است؛ سالی که ابن بواب در بغداد کتابت و تذهیب قرآن معروفش را به پایان رساند. از زمان آغاز کتابت نسخه اطلاعی نداریم، اما اگر حدود زمان تقریبی کتابت آن را، همچون زمان تذهیبش، دو سال در نظر بگیریم، آغاز کتابت نسخه در سال ۳۸۷ق بوده است؛ بنابراین، می‌توان حدس زد این نسخه از نخستین قرآن‌هایی است که سیده‌خاتون پس از مرگ فخرالدوله به کتابتش فرمود.

بر اساس این انجنامه، می‌دانیم تذهیب مختصر این نسخه نیز حدود دو سال زمان برده است که البته زمانی نسبتاً طولانی است، زیرا با احتساب زمان تقریبی دو سال برای کتابت متن، تولید آن در مجموع حدود چهار سال زمان برده است: برابر با زمان کتابت و تذهیب قرآن سی‌پاره‌ای که عثمان بن حسین وراق، کلاتر کارگاه غزنه، برای محمدعبدوسی تهیه کرد (۴۶۲-۴۶۶ق).^۱ تذهیب قرآن سی‌پاره، به‌سبب لزوم اجرای صفحه‌ی افتتاح مستقل برای هر پاره، بسیار پرکارتر از یک نسخه‌ی جامع است (ت ۴). به‌علاوه، سبک قرآن‌پردازی هنرمندان عصر غزنوی بسیار مجلل‌تر از آل بویه بود؛ زیرا در قرآن‌های غزنه تمام سرسوره‌ها را درون قابی مجدول با زمینه‌ی مذهب کتابت کرده‌اند و نقش نشان‌هایی متعدد برای انواع تقسیمات قرآن در حاشیه‌شان انداخته‌اند.

گمان می‌رود یکی از عوامل زمان طولانی تولید قرآن ری آن باشد که هر دو امر کتابت و تذهیب بر عهده‌ی یک هنرمند بوده است. می‌دانیم چنین شخصی در سده‌های آغازین به «وراق» مشهور بود. وراق، برگرفته از «رق» (به معنی پوستی که بر آن نویسند)، کسی بود که علاوه بر فروش ورق (کاغذ و پوست) قرآن و حدیث و دیگر متون می‌نوشت (سمعانی: ۲۳۶). بسیاری از وراقان سده‌های سوم و چهارم خود از نویسندگان و فضایی عصر بودند مانند ابواسحاق بن ندیم صاحب کتاب الفهرست و ابوحیان توحیدی.^{۱۰} در نتیجه، در نظام کتابت‌خانه‌ی درباری آل بویه، شیوه‌ی تولید نسخه از طریق همکاری تعدادی هنرمند، بلکه به‌دست هنرمندان منفرد ماهر بر تمام مراحل تولید کتاب انجام می‌شده است.

توجه بیش‌ازپیش به ظاهر نسخه و ضرورت تخصصی شدن مراحل تولید نسخه‌ها موجب شد که دست‌کم از اوایل سده‌ی پنجم هجری هر یک از مراحل به‌دست هنرمندی مجزا انجام شود. شاهد این سخن قرآنی است که ابوجعفر وراق کاتب، و ابی‌نصر منصور مذهب در سال ۴۱۶ق تولید کردند و ویژگی‌های خط و تذهیبش بر تولیدش در مرکز ایران گواهی می‌دهد (صحراگرد،



ت ۵. جزئیاتی از کتابت مصاحفی قزوینی در قرآن ری. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی برگ ۳. ت ۶. مقایسه دو بسمله از قرآن‌های قزوینی، قرآن دهپاره پوستی با الف‌های کوتاه (بالا)، و قرآن ری با الف‌های بلند و کشیده (پایین).

این قلم در سده چهارم رشد کرد و به سبک‌هایی متنوع تقسیم شد، به طوری که می‌توان با قاطعیت از سبک‌های منطقه‌ای مختلفی سخن گفت که در ری، خراسان، طبرستان و اصفهان رواج داشت.^{۱۳}

شیوه به کاررفته در کتابت این نسخه با ویژگی‌هایی چون اتصالات افقی و قوی بین حروف، ارسال در حرکات زیر خط کرسی، کیفیت مسطح خط، دقت در اجرای مفردات، و نبود حروف کشیده در کل متن شناخته می‌شود. «الف» با دنباله مورب و گاه بدون دنباله با سری زاویه‌دار و نسبتاً درشت کتابت شده است. «ع» با سه حرکت مجزای قلم و انحنایی خفیف در حرکت اول همراه است. به علاوه، اکثر حروف خرد حرکتی در جهت عمود دارند، و صرفاً سر «و»، «م» و «ف»، «ب» با ساختاری مورب کتابت شده‌اند (ت ۵).

این ویژگی‌ها با اندکی اختلاف در قرآن دیگر این کاتب، قرآن پوستی دهپاره، به کار رفته است. نکته اینکه ارتفاع حروف عمودی، به ویژه الف، در قرآن پوستی کوتاه‌تر از این نسخه است. مقایسه دو «بسمله» از این دو نسخه به خوبی تفاوت این ویژگی را نشان می‌دهد (ت ۶). بدیهی است در قرآن پوستی به سبب فشردگی عمودی سطور در قطع افقی نسخه کاتب را واداشته تا حد امکان ارتفاع حروف عمودی را کاهش دهد، در حالی که در قرآن ری قطع عمودی فاصله بیشتر بین سطور را موجب شده و این فاصله آزادی عمل بیشتری برای کاتب ایجاد کرده است. این ویژگی بر شکل دیگر حروف نیز بیش‌و کم مؤثر افتاده است. مثلاً در قرآن ری «س» در «بسم» متناسب با ارتفاع بلند «الف» رشیدتر و بلندتر کتابت شده و ساختار هندسی متفاوتی یافته



۱۳۹۹ الف: ۱۴۲-۱۴۴). همچنین، در اواسط سده پنجم در شرق ایران هنرمندان کارگاه غزنویان در یک نظام استادشاگردی مشترکاً نفیس‌ترین قرآن‌های کوفی شرقی را تولید کردند که نسخه هفت‌پاره تفسیر منیر شاهی بر آن است.^{۱۴} در رقم این نسخه عثمان بن حسین وراق غزنوی را مسئول کتابت و تذهیب دانسته‌اند حال آنکه در لابه‌لای تذهیب صفحات میانی رقم شاگردان عثمان، علی و محمد، نیز درج شده است، امری که از وجود یک نظام کارگاهی منسجم خبر می‌دهد. در نتیجه، مصاحفی قزوینی را باید در زمره آخرین هنرمندانی به‌شمار آورد که بر پایه نظام کهن وراقی احتمالاً تمام مراحل تولید نسخه را به تنهایی بر عهده داشته است.

ج. خط

در قرآن ری، متن به قلم سیاه و اعراب شامل فتحه، کسره و ضمه به قلم شنجرف، به شیوه خلیل بن احمد فراهیدی، با خطوط تیز مورب کتابت شده است. علائم شد و مد نیز به قلم لاجوردی و همزه با علامتی درشت به قلم زنگار درج شده است. این در حالی است که، در قرآن دهپاره پوستی، همین کاتب اعراب را به شیوه ابوالأسودی با نقطه‌های شنجرف گرد درج کرده است. خط تمام نسخه اعم از متن قرآن، سرسوره‌ها، و انجامه به کوفی شرقی است. کوفی شرقی مطابق با شواهدی چون قرآن ابوالقاسم خیقانی، مورخ ۲۹۲ق (دابلین: کتابخانه جستریتی: IS ۱۴۷A، و چند مجموعه دیگر)^{۱۵}، از اواخر سده سوم در کتابت قرآن به کار رفت.

است. این امر یکی دیگر از ویژگی‌های قلم کوفی شرقی را نشان می‌دهد: انعطاف اصول خط در برابر شرایط کلی صفحه. این ویژگی در دیگر اقلام دیده نمی‌شود زیرا به نظر می‌رسد در قواعد ابداعی منسوب به ابن مقله، که اندکی بعد به کوشش ابن بواب تثبیت شد، انعطاف اندازه و تناسبات بسته به شرایط صفحه تماماً متروک شد. تکرار ویژگی‌های قرآن ری در نسخه دیگر این کاتب و همچنین چند نسخه بی‌شناسنامه دیگر حاکی از وجود سبکی منسجم از قلم کوفی شرقی در ری است و از این رو عجالتاً این سبک را «رازی» می‌نامیم. بر اساس ویژگی‌های این نسخه، می‌توان محل کتابت دیگر نسخه‌های مشابه را به ری منسوب کرد، مثلاً قرآن علی بن شاذان رازی (دابلین: کتابخانه چسترییتی، ش Ms. ۱۴۳۴)، که جز نسبت کاتبش مدرک دیگری برای کتابتش در ری در دست نیست، به سبب شباهت چشمگیر خطش به خط مصاحفی قزوینی، می‌تواند در ذیل این سبک قرار گیرد.

1. Scriptio Continua.

از سوی دیگر، شباهت چشمگیر خط این نسخه با قرآن‌های اصفهان حاکی از رابطه‌ای محکم میان سبک رازی و اصفهانی است. سبک اصفهانی، به استناد قرآنی مورخ ۳۲۷ق، در اوایل سده چهارم هجری در اصفهان رواج داشت. این قرآن به نام واقفش، کشواد بن املاس، شناخته می‌شود. از این قرآن چهارده پاره، سه پاره به جا مانده است (مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۳۰۱۳، ۳۰۱۴، ۳۰۱۵).^{۱۴} به رغم ابتدایی بودن، رابطه محکمی در اصول خط این قرآن با قرآن‌های سبک رازی دیده می‌شود. (ت ۷)

شباهت دیگر قرآن‌های مصاحفی قزوینی و اصفهانی «کتابت پیوسته»^[۱] متن است. در کتابت پیوسته، کاتب فاصله بین حروف را برابر با فاصله بین کلمات اجرا می‌کرد؛ به همین سبب، حروف در کل سطر فاصله‌ای برابر دارند و خلوت و جلوت نسبتاً یکدست است. در این شیوه، واژه‌های پایان سطر، اگر در مسطر ننگد، شکسته می‌شود و مابقی آن در سطر بعد کتابت می‌شود (کریمی نیا، ۱۳۹۹: ۱۱۸). این شیوه سنتی است که از قرآن‌های کوفی اولیه به جا مانده بود و تا اواخر سده چهارم در قرآن‌های مرکز ایران استفاده می‌شد. با این همه، مصاحفی قزوینی، همانند کاتب قرآن کشواد بن املاس، گاه کلمات پایان سطر را فشرده‌تر کتابت کرده تا شکسته نشوند (ت ۸). این شیوه پیش‌تر در قرآن‌های کوفی اولیه ایرانی رواج داشت (همانجا) و طبق شواهد تا اواخر سده چهارم در قرآن‌های کوفی شرقی نیز به کار می‌رفت.

به سبب تقدم زمانی قرآن کشواد بن املاس، عجالتاً سبک رازی را باید شاخه‌ای منشعب از سبک اصفهانی به شمار آورد. نزدیکی اصفهان و ری، که هر دو مراکز مهم عراق عجم بودند، و نیز اهمیت این دو شهر در سده چهارم برای حاکمان آل بویه، این رابطه را توجیه می‌کند.

با این حال، تفاوت‌هایی نیز در قرآن‌پردازی ری و اصفهان هست؛ از جمله آنکه مصاحفی قزوینی در این نسخه ضمایم (سرسوره‌ها و انجامه) را به قلم کوفی شرقی کتابت کرده است، در حالی که همین کاتب، در قرآن پوستی ده پاره، ضمایم از جمله سرسوره‌ها و رقم

ت ۷. جزئیاتی از خط قرآن کشواد بن املاس. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۳۰۱۳، برگ ۳ پ.



ت ۸. یک سطر از قرآن ری که کاتب به منظور جلوگیری از شکسته شدن واژه «لتعلموا» و «احاط» چند حرف پایان آخرین سطور سوره را فشرده کتابت کرده است، برگ ۵ر.



خویش را به کوفی اولیه (سبک D.I دروش) نوشته است. این ویژگی در قرآن‌های قدیم‌تر، به‌ویژه قرآن‌های سبک اصفهانی، مانند قرآن کشواد بن املاس، قرآن یاسین بن احمد اصفهانی (۳۸۳ق، اصفهان) و دو قرآن بی‌رقم نیز تکرار شده است (مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۵۰۱۵؛ لندن: مجموعه خلیلی، ش ۴۳۰). بنابراین، به نظر می‌رسد مصاحفی قزوینی در قرآن پوستی ده‌پاره سنت‌های کهن همچون قطع افقی، اعراب ابوالأسودی، جنس پوست، استفاده از خط کوفی اولیه در ضمائم، را به نمایش گذاشته، در حالی که در قرآن ری از سنت‌های کهن کاملاً جدا شده و، علاوه بر تغییر قطع و شیوه اعراب‌گذاری و جنس ورق، قلم کوفی اولیه را به کلی به‌کناری نهاده است.

د. تذهیب

در قرآن‌های سده چهارم مرکز ایران، مانند قرآن کشواد بن املاس، و قرآن بی‌رقم سبک اصفهانی (ش ۵۰۱۵)، دو صفحه به‌الواح تذهیب‌شده اختصاص دارد: دوپاسه صفحه حاوی متنی درباره شمار سوره‌ها، آیات، کلمات و حروف قرآن است و صفحات افتتاح با لوح‌های صدر و ذیل و گاه جدول کشی و ایرک همراه است (نک: صحراگرد، ۱۳۹۹ب: ۲۲؛ همو، ۱۳۹۹الف: ۱۲۸-۱۴۹). این عناصر مبنای شناخت و ویژگی‌های تذهیب‌نسخ است. اما در قرآن ری، به‌سبب افتادگی آغاز نسخه، هیچ‌یک از موارد یادشده به‌جا نمانده است. به‌علاوه سرسوره‌ها نیز بدون قاب‌بندی است و نشان‌ها بسیار مختصر اجرا شده است.

تنها صفحات مذهب مهم صفحه انجامه در پایان نسخه است. در این صفحه، فضای مسطر به سه بخش مساوی تقسیم شده است: بالا در چهار سطر آخرین سوره قرآن، سوره ناس، به قلم سیاهی درج شده و بدون تذهیب است (ت ۲). بخش میانی یک سطر به زر حاوی نام مذهب و سه سطر به سیاهی، حاوی عبارت ختم قرآن است. بخش پایین نیز یک سطر زر حاوی تاریخ تذهیب و سه سطر به سیاهی، حاوی نام کاتب، حامی، محل و تاریخ کتابت است.



ت ۹. جزئیاتی از آرایه‌های زمینه صفحه انجامه در قرآن ری، برگ ۳۵.



ت ۱۰. ته‌ستونی از آتشکده ری، دوره ساسانی، عکس از مهدی مکی‌نژاد.



ت ۱۱. سرسوره «معارج» در قرآن ری، برگ ۱۱پ. متن به قلم زرین محرز کتابت شده و نقش ایرکی در حاشیه برای تمایز آن از متن درج شده است.

زمینه بخش دوم و سوم ابری‌سازی شده و با هاشورهای عمودی و نقش گلی شبیه به نیلوفر سه و گاه پنج‌پر درون شکلی پایه‌مانند آراسته شده است (ت ۹). این نقش در پایین مسطر به‌صورت مکرر در کنار هم قرار گرفته است. مصاحفی از این نقش در حاشیه صفحات رقم‌کاتب در قرآن ده‌پاره پوستی نیز استفاده کرده است (ت ۳). این نقش یادآور آرایه‌های کهن ایرانی است که در آثار معماری پیش از اسلام نیز کاربرد داشت. نمونه‌ای از آن نقش ته‌ستون ویرانه‌های آتشکده ری، منسوب به دوره ساسانی، است (ت ۱۰). شیوه به‌کارگیری این نقش در این ته‌ستون دقیقاً مانند بخش پایین صفحه انجامه در قرآن ری است. این نمونه استمرار نقوش تزئینی پیش از اسلام را در تذهیب قرآن‌های سده چهارم به‌خوبی نشان می‌دهد و افزون بر آن از اهمیت هنر بومی در شکل‌گیری سبک‌های منطقه‌ای پرده بر می‌دارد، زیرا مشابه آن در قرآن‌های به‌جامانده از شرق ایران دیده نمی‌شود. گرداگرد مسطر در این دو صفحه جدولی است آراسته به نقشی واگیره‌ای شبیه به برگ کنگر. بیرون



جدول، در حاشیه، ابرکی بزرگ و زرین با ترکیب متقارن متشکل از چند گلبرگ بزرگ و دو غنچه نیلوفر نقش بسته است. این نقش با ابعادی کوچکتر و جزئیات کمتر در کنار سرسوره دیگر صفحات نیز قرار گرفته است. وجه مشخصه سرسوره‌ها، علاوه بر ابرک حاشیه، رنگ زرین آنهاست که در یک سطر و گاه یک ونیم سطر در آغاز هر سوره درج شده است (ت ۱۱). ابرک‌های این نسخه به ابرک‌های قرآن کشواد بن املاس شباهت زیادی دارد؛ البته با دقت و جزئیات بیشتری اجرا شده است. بنابراین، در تذهیب نیز می‌توان رد پرننگی از تذهیب اصفهان پی گرفت.

نشان‌ها محدود است به نشان ختم آیات که در میان سطور و با گل یازده‌پیر زرین مشخص شده است. این در حالی است که در برخی از قرآن‌های مرکز ایران مانند قرآن کشواد بن املاس و قرآن ده‌پاره بی‌رقم آستان قدس (ش ۵۰۱۵) برای فواصل آیات نشانی اجرا نکرده‌اند. اما نشان خمس در قرآن ری همانند دیگر نسخه‌های اصفهان به شکل پایزه حاوی یک برگ کنگر در میان سطور، و گاه بدون برگ، بر روی آخرین واژه آیه درج شده است. تنها نشان عشر است که در حاشیه صفحات به شکل گل بزرگ زرین حاوی عدد آیه به قلم کوفی شرقی نقش بسته است (ت ۱۲). این نشان را نیز در دیگر قرآن‌های اصفهان و ری نیز می‌توان دید.

نشان سجده علامتی خاص ندارد. آیات سجده‌دار را، مانند آیه ۲۱ سوره انشقاق (۸۴)، صرفاً با درج واژه

«سجده» به کوفی اولیه در حاشیه صفحه (برگ ۲۵ ر) مشخص کرده‌اند. این در حالی است که ربع قرن بعد در قرآن ابوجعفر وراق، نه تنها آیات سجده‌دار که برای دیگر ملزومات قرائت، همچون زمان مناسب قرائت سوره‌ها، نشانی ویژه طراحی کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

اطلاعات انجامه قرآنی زمینه‌ساز شناخت ابعاد مختلفی از شیوه‌های قرآن‌پردازی سده چهارم در مرکز ایران است. همچنین، سبک خط و تذهیب این نسخه به منزله اثری محوری در شناخت سبک‌های قرآن‌نگاری و خوشنویسی سده چهارم بسیار مفید است. در مجموع، مهم‌ترین نکات مستخرج از این اثر را می‌توان به این صورت خلاصه کرد:

- مصاحفی قزوینی یکی از کاتبان و مذهبیان سده چهارم هجری بود که در دارالعلم‌ها و کتابت‌خانه‌های عصر آل بویه فعالیت می‌کرد. در حال حاضر، دو اثر رقم‌دار از او، البته با ساختاری متفاوت، در دست است: قرآن ده‌پاره پوستی با ساختار افقی کتابت‌شده بر پوست که ضمائمش به قلم کوفی اولیه است؛ دیگر قرآن ری با خصایصی تازه‌تر مطابق با شیوه متأخر قرآن‌های ایرانی در قطع عمودی و ضمائمش کوفی شرقی. این نکته حاکی از دو واقعیت است: اینکه قرآن‌پردازان سده چهارم احتمالاً بسته به نظر حامی سبک‌های متفاوتی را اجرا می‌کردند و دیگر اینکه این سده دوره‌ای بینابین در قرآن‌نگاری است که از یک سو استمرار قطع افقی قرآن‌های پوستی و قلم کوفی اولیه در ضمائمش است و از سوی دیگر پذیرای ابداعات تازه، یعنی قطع عمودی قرآن‌های کاغذی و استفاده از اقلام ابداعی وابسته است.

- مصاحفی قزوینی را باید از آخرین وراقان، به معنای اصیل وراقی، تلقی کرد، چرا که او تذهیب و کتابت را توأمان برعهده داشته است. اهمیت این مسئله از آن روست که در برخی از

قرآن‌های نفیس و درباری سده پنجم، کتابت و تذهیب هر یک بر عهده یک نفر بوده است.

- قرآن ری تحت حمایت سیده‌خاتون در ۳۹۱ق تهیه شده است و از این طریق می‌توان اطلاعاتی درباره یکی دیگر از کتابخانه‌های مهم آل بویه به دست آورد. این کتابخانه احتمالاً از نوع دارالعلم‌های عصر آل بویه، محلی برای حضور دانشمندان و طالبان علم بوده و همچون دارالعلم صاحب، مرکز مهم علمی ری در سده چهارم به‌شمار می‌رفته است.

- به سبب شباهت سبک خط قرآن ری به چند نسخه دیگر، می‌توان سبکی دیگر از کوفی شرقی را که زمانی در ری رواج داشت شناسایی کرد و دیگر نسخه‌های بدون رقم مشابه را به آن منسوب کرد. سبک رازی کوفی شرقی، مطابق با شواهد یادشده، ریشه در سبک اصفهانی دارد.

- در تذهیب مختصر قرآن ری، نشانه‌های روشنی از نقوش عصر ساسانی هست که استمرار شیوه‌های کهن در تذهیب عصر آل بویه را نشان می‌دهد. به علاوه، از آنجا که این نقوش در بناهای تاریخی ری به کار رفته فرضیاتی در باب سبک منطقه‌ای تذهیب در قرآن‌های این عصر نیز می‌توان مطرح کرد.

- قرآن ری در سال ۳۹۱ق، دقیقاً همزمان با قرآن ابن بواب، تهیه شده و مقایسه این دو اثر می‌تواند نکات ارزنده‌ای از سبک‌های متنوع قرآن‌پردازی سده چهارم را برملا کند.

پی‌نوشت‌ها

- مانند قصیده راثیه ابن بواب درباره تراش قلم. متن آن در برخی منابع از جمله در مقدمه تاریخ ابن خلدون آمده است (ابن خلدون، مقدمه: ۸۳۷-۸).
- منظور از اوراق باز یافته مجموعه نسخه‌های ناقص و برگ‌های پراکنده باقی‌مانده از قرآن‌های سده‌های نخست هجری است که

در لابه‌لای دیوارها و پوشش سقف‌های مجموعه آستان قدس رضوی پنهان شده بود. این برگ‌ها طی سال‌های گذشته در چند مرحله کشف و به کتابخانه منتقل شده است. ظاهراً نخستین بار در سال ۱۳۴۸ش تعدادی کیسه حاوی بیش از هزار نسخه از میان دو پوشش سقف دارالسلام کشف شد که احمد گلچین معانی گزارش آن را در این مقاله ذکر کرده است:

احمد گلچین معانی، «شاهکارهای هنری قرن پنجم هجری...».

3. D.S. Rice

۴. این تصویر، به سبب اهمیت اطلاعاتش، توجه نگارنده و دوست فاضلم آقای دکتر مرتضی کریمی‌نیا را برانگیخت، اما جستجوهایمان در میان نسخه‌های فهرست‌شده کتابخانه آستان قدس به جایی نرسید. تا اینکه در تابستان ۱۴۰۰ش که طبقه‌بندی و فهرست‌نویسی اوراق باز یافته بخش مخطوطات بر عهده نگارنده قرار گرفت، این نسخه در میان انبوه برگ‌های پراکنده از قرآن‌های باز یافته پیدا شد. ظاهراً، آقای رمضان‌علی شاکری، در سال ۱۳۶۷ق، در زمان آماده‌سازی و دسته‌بندی اوراق باز یافته صرفاً تصویری از این نسخه را در کتاب یادشده منتشر کرده بود و پس از آن به دلایلی ثبت نهایی اطلاعات این نسخه‌ها صورت نگرفته بود. در اینجا جا دارد از مسئولان جدید کتابخانه، به‌ویژه آقای دکتر حسن‌آبادی، رئیس اداره مخطوطات کتابخانه، بابت همکاری‌هایشان، سپاسگزاری کنم.

۵. البته قرآن‌هایی با اندازه بزرگ‌تر به خط کوفی شرقی وجود دارد، مانند قرآنی بدون رقم با اندازه ۳۷×۲۹/۵ (مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۵۴) و قرآنی به خط محمد بن علی بن حسین صفار، مورخ ۳۸۳ق، با اندازه ۳۹×۲۲ س م (استانبول، کتابخانه کاخ توپقایی، HS 22). اما این نسخه‌ها احتمالاً در مراکز هنری جز مراکز تحت سلطه آل بویه کتابت شده‌اند.

۶. برای آگاهی بیشتر درباره این قرآن نک: کریمی‌نیا، «مصحف زنجانی، به خط کوفی در (۵۳۱ق)؛ صحراگرد، ۱۳۹۹الف: ۳۵۵-۳۵۰.

۷. برای اطلاعات بیشتر درباره اندازه قرآن‌های کوفی شرقی، نک: صحراگرد، ۱۳۹۹الف: ۱۱۰-۱۱۲.

۸. عارف دوری در کتاب عصر امرة الامرا فی عراق مفصلاً درباره این لقب و جایگاه آن سخن رانده است.

۹. برای اطلاعات بیشتر درباره این نسخه، نک: صحراگرد، ۱۳۹۹الف: ۱۷۳-۱۸۵.

۱۰. برای اطلاعات بیشتر درباره این حرفه، نک: افشار، کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی: ۶۶-۶۸؛ مایل هروی، کتاب آرایبی در تمدن اسلامی: ۷۲۴-۵.

۱۱. کهن‌ترین اثر رقم‌دار این کارگاه نسخه آداب الخلق الرسول و خلقه اثر ابوبکر محمد بن رافع است که برای خزانه‌الکتب عبدالرشید دیلمی تولید شد. پس از آن، عثمان بن حسین و رافع غزنوی و

پسرش محمد به همراه علی غزنوی وراقانی بودند که در کارگاه ابراهیم غزنوی تعدادی نسخهٔ ارزنده تولید کردند. برای اطلاعات بیشتر، نک: صحراگرد، همان: ۷۲-۳؛ همو، «تفسیر حدادی: مدخلی بر شناخت خوشنویسی و تذهیب عصر غزنوی».

۱۲. برای آگاهی از دیگر برگ‌های این قرآن، نک: کریمی‌نیا، «کهن‌ترین مکتوب تاریخ‌دار فارسی...»: صحراگرد، ۱۳۹۹ الف: ۱۱۹-۱۲۰.

۱۳. بررسی سبک‌های کوفی شرقی به شناخت ۲۸ سبک مختلف انجامید که پنج سبک عمده آن در مناطق مشخصی از ایران رواج داشته‌اند. برای اطلاعات بیشتر، نک: صحراگرد، همان: ۶۷-۸۷.

۱۴. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ این قرآن و دیدن تصاویرش، نک: صحراگرد، «سبک‌شناسی منطقه‌ای کوفی شرقی: بررسی صفات قلم کوفی در قرآن اصفهان».

کتاب‌نامه

ابن اثیر (۱۳۹۸-۱۴۰۸). *الکامل فی التاریخ*. بیروت.

ابن خلکان [بی‌تا]. *وفیات‌الاعیان*. تحقیق احسان عباس. بیروت: دارالصادر للطباعة والنشر.

ابن مهلب بن محمد شاذی (م. ۲۰۰۰م). *مجم‌التواریخ و القصص*. سیف‌الدین نجم‌آبادی. نیکاهوزن.

ابن مسکویه (۱۳۷۹). *تجارب‌الامم* (ج ۱)، تصحیح ابوالقاسم امامی. تهران: دارسروش للطباعة والنشر.

ابن خلدون (۱۳۹۳). *مقدمه*. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: علمی و فرهنگی.

ابوالفرج ابن الجوزی (۱۴۱۲ق). *المنتظم فی تاریخ الملوک والامم*. تحقیق محمد و مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.

افشار، ایرج (۱۳۹۰). *کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی*. تهران: میراث مکتوب.

آلتونجی، محمد (۲۰۰۱). *معجم‌اعلام‌النساء*. بیروت: دارالعلم للملایین. بلاذری، احمد (۱۸۶۵م). *فتوح‌البلدان*. به کوشش دخوی، لیدن.

بهاء‌الدین بن اسفندیار (۱۳۶۱). *تاریخ طبرستان*. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: کتابخانه‌آذر.

حاج‌سیدجوادی، احمد صدر (۱۳۷۸). *دائرة‌المعارف تشیع*. تهران: محبی.

دوری، تقی‌الدین عارف (۱۳۹۵ق). *عصر‌امراء‌الامراء فی العراق ۳۲۴-۳۳۴ ق* ۹۳۶-۹۴۶. *دراسة‌سیاسیة‌اقتصادیة‌اجتماعیة*، بغداد: جامعه‌بغداد.

ذکرالله محمدی و پرویش، محسن (۱۳۹۰). «جایگاه و اهمیت کتاب و کتابخانه در عصر آل بویه و نقش آن در تولید علم و دانش». *مطالعات*

تاریخ اسلامی، ۹، ۱۲۷-۱۵۰.

صحراگرد، مهدی (۱۳۹۹ب). «سبک‌شناسی منطقه‌ای کوفی شرقی: بررسی صفات قلم کوفی در قرآن اصفهان (محمفوظ در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی)». *نامهٔ هنرهای تجسمی و کاربردی*، ۲۸، ۱۹-۳۴.

صحراگرد، مهدی (۱۳۹۹الف). *سطر مستور: تاریخ و سبک‌شناسی کوفی شرقی*. مشهد: بنیاد بین‌المللی امام‌رضا (ع) و تهران: متن.

فکرت، محمدآصف (۱۳۸۳). «ابن‌بواب». *دائرة‌المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۳، www.cgie.org.ir/fa/article/222855

کریمی‌نیا، مرتضی (۱۳۹۸). «مصحف زنجانی، به خط کوفی در (۵۳۱ق)». *پژوهش‌های نسخه‌شناسی*، ش ۲، ۴۹-۶۸.

کریمی‌نیا، مرتضی (۱۳۹۹). «نسخه‌شناسی مصاحف قرآنی ۱۰: قرآن کوفی ۴۲۸۹ موزه ملی ایران». *آیینة پژوهش*، ۳۱ (۱۸۴)، ۱۱۱-۱۷۷.

مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲). *کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

متز، آدام (۱۳۶۲). *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*. ترجمهٔ علیرضا ذکاوتی قراگوزلو. بی‌جا: بی‌نا.

محمدی، ذکرالله و پرویش، محسن (۱۳۹۰). «جایگاه و اهمیت کتاب و کتابخانه در عصر آل بویه و نقش آن در تولید علم و دانش». *مطالعات تاریخ اسلام*، ۳ (۹۱).

مقدسی، ابوعبدالله (۱۳۶۱). *احسن‌التقسیم فی معرفة‌الاقالیم*. ترجمهٔ علی نقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.

یاقوت حموی (۱۳۹۹ق). *معجم‌البلدان*. بیروت: داراحیاء التراث العربی. Blair, Sheila S., Jonathan M. Bloom and Anne E. WardwellRice (1992). "Reevaluating the Date of the "Buyid" Silks by Epigraphic and Radiocarbon Analysis". *Ars Orientalis*, no. 22, 1-41.

Blair, Sheila S. (2011). "FORGERIES iii. OF ISLAMIC ART". *Encyclopædia Iranica*, www.iranicaonline.org/articles/forgeries-iii (accessed on 18 August 2015).

Bloom, Jonathan M. (2004) "Facts and Fantasy in Buyid Art". *Oriente Moderno Nuova serie*, Anno 23 (84), Nr. 2, Kunst und Kunsthandwerk im frühen Islam, Bamberger Symposium Der Islamischen Kunst 25. - 27. JULI 1996, 387-400.

D.S. Rice (1955). *The Unique Ibn al-Bawwab Manuscript in the Chester Beatty Library*. Dublin: Emery Walker Ltd.

Panoussi, Estiphan (1968) "La Théosophie Iranienne Source d'Avicenne?" *Revue Philosophique de Louvain* 66, 239-66. <http://www.jstor.org/stable/26336137>.

Sahragard, Mahdi. "Revived Leaves: The Qur'an endowed by Kashwād b. Amlās (a manuscript on paper from Işfāhān, dated Ramadān 327/939)", *Journal of Islamic Manuscripts* (forthcoming)."